

Around the Clock to Call It a Day: 4 Time Idioms in 5 Minutes

English learning resource · FA

Key words & expressions · English + Persian

3 learning entries

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

1 around the clock

شبانه‌روزی · بیست و چهار ساعته

DEF

Continuously, all day and all night.

Use it for services, work or care that never stops.

FA

The hospital works around the clock.

They provided around-the-clock support.

به‌طور پیوسته، تمام روز و تمام شب.
برای خدمات، کار یا مراقبتی که متوقف نمی‌شود.

بیمارستان شبانه‌روزی کار می‌کند.

آن‌ها پشتیبانی شبانه‌روزی ارائه کردند.

2 in the nick of time

در آخرین لحظه · درست به موقع

DEF

At the last possible moment, just before it is too late.

It emphasizes that there was almost no time left.

FA

We reached the gate in the nick of time.

The firefighter arrived in the nick of time.

در آخرین لحظه ممکن، درست پیش از آن‌که خیلی دیر شود.
تأکید می‌کند که تقریباً هیچ زمانی باقی نمانده بود.

در آخرین لحظه به گیت رسیدیم.

آتش‌نشان درست به موقع رسید.

3 call it a day

برای امروز تمامش کردن · دست از کار کشیدن

DEF

To stop working on something for the rest of the day.

A natural, informal way to suggest finishing work now.

FA

We have done enough, so let's call it a day.

I am tired. I am going to call it a day.

کار روی چیزی را برای باقی روز متوقف کردن.
راهی طبیعی و غیررسمی برای پیشنهاد پایان کار.

به اندازه کافی کار کرده‌ایم؛ برای امروز تمامش کنیم.

خسته‌ام. برای امروز کار را تمام می‌کنم.

